

تیسفون

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشکده ادبیات

تیسفون اصلی در مشرق دجله حصارى بصورت کمان داشت و برج‌های متعددی در این حصار بود که آثارشان هنوز باقی است و مجموع زمینی که در زیر آن بود از ۵۸ هکتار تجاوز نمی‌کرد و آنرا بزبان عربی «مدینه العتیقه» مینامیدند. در نتیجه کاوشهایی که در سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ در این ناحیه انجام گرفته پدیده‌های کلیسایی از زمان ساسانیان پدیدار گشته است.

در مشرق تیسفون امروز آرامگاهی بنام سلمان پاك وجود دارد که در محله سابق «اسپانبر» Aspanbar واقع است. کاخ شاهنشاهان ساسانی در همین محله قرار داشته و مرگب از حیاط‌ها و تالارها و باغ‌هایی بوده است که طاق کسری امروز، در میان آن برپا بوده است.

در جنوب طاق کسری خرابه‌هایی بنام «خزانه کسری» Khazanat Kersa وجود دارد و محل دیگری بستان کسری نامیده میشود که احتمالاً باقی‌مانده شهر «وه آنتیوخ خسرو» میباشد که «رومگان» Rumaghan نیز نامیده میشود و خسرو اول پس از فتح انطاکیه عده‌ای از مردم آن شهر را به پایتخت خود انتقال داد و شهر جدید را برای آنها ساخت.

قسمتی از مدائن را که در مغرب دجله قرار دارد حصارى از آجر احاطه کرده بود و بخش مهم آجرهای آن شهر از شهر بابل باین محل حمل شده بود و در مکان قدیمترین ساختمان این شهر یعنی سلوکیه برپا شده بود.

اردشیر قسمتی از آنرا تعمیر کرد و آنرا «وه اردشیر» نامید (ترجمه واژه اردشیر خوب یا خانه اردشیر). وه اردشیر مرکز عمده مسیحیان ایران و مقر «کاتولیکوس» رئیس مذهبی آنان بود و کلیسایی در آن بنا شده بود که بفرمان شاپور دوم ویران شد و بعد از مرگ این پادشاه مجدداً آنرا برپا کردند.

تقریباً در پنج کیلومتری شمال «وه اردشیر» شهر کوچک «درزیدان» Darzanidhan قرار داشت. در مغرب «وه اردشیر» شهری بنام «ولاش آباد» واقع بود. بنابراین از مجموع شهرهایی که در زمان خسرو اول پایتخت ایران را تشکیل میدادند

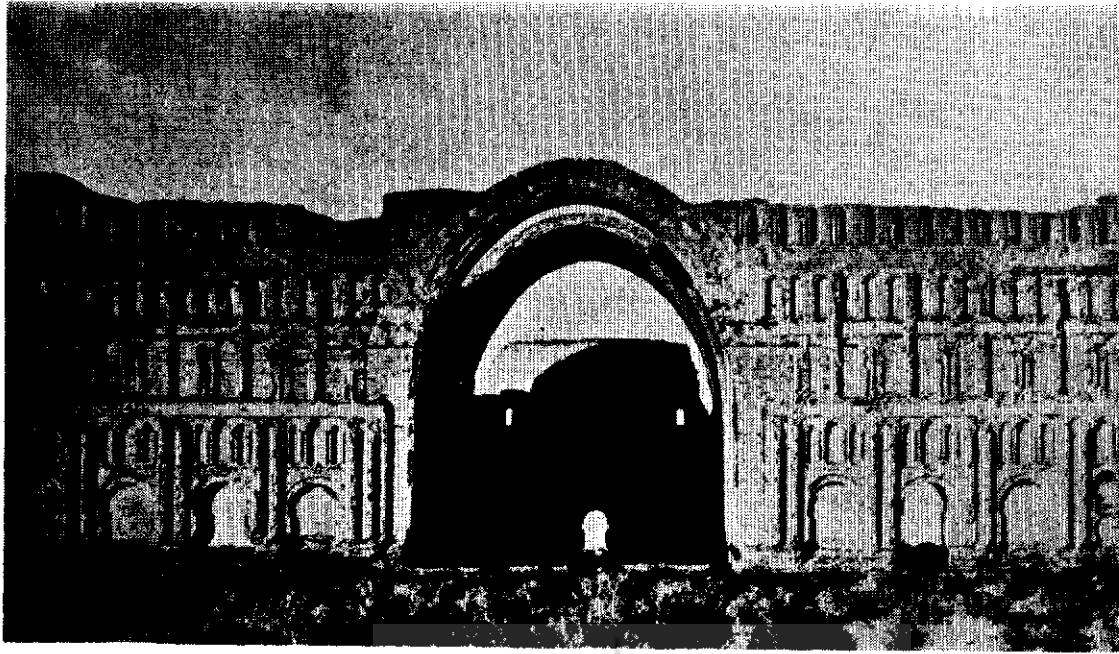
ویرانه‌های باقی مانده از شهر قدیم تیسفون را مرحوم «ارنست هرتسفلد» در کتابی تحت نام «يك مسافرت از نظر باستان‌شناسی بسرزمین فرات» که در تاریخ ۱۹۲۰ در برلن بزبان آلمانی منتشر شده بطور مفصل معرفی نموده است. در سال ۱۹۲۸ کاوش‌هایی توسط هیئتی آلمانی تحت سرپرستی آقای «روپتر» در محل تیسفون بعمل آمد و در سال ۱۹۳۰ ميسيون امریکایی «موزه متروپولیتن نیویورک» سرپرستی آقای «اوپتون» با هیئت آلمانی نامبرده در کاوشهای تیسفون شرکت کرد.

«آرتور کریستنسن» در کتاب «ایران در عهد ساسانیان» که در سال ۱۹۳۶ ترجمه فرانسه آن منتشر شد با استفاده از نتایج کار کاوش‌کنندگان در تیسفون خلاصه‌ای از اطلاعاتی را که راجع باین شهر در دست داشت انتشار داد و ما قسمتی از آن اطلاعات را در این مقاله از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

«پایتخت شاهنشاهان ایران خصوصاً در زمان خسرو اول وسعت و اعتبار یافت و تیسفون (Tespon) نام شهر عمده‌ای است که جزء مجموعه‌ای از چند شهر بود که بزبان شامی Mahoze یا Medhinata یا Medhine (ماحوزه ملکا یا مذیناتا یا مذینه) مینامیدند، و اعراب آنرا به «المدائن» ترجمه کرده‌اند و احتمال دارد که این کلمات ترجمه پهلوی «شهرستانان» Shahrستانان باشد. شهرهای مهم این مجموعه شهر «وه اردشیر» Veh-Ardechir (سلوکیه قدیم) و تیسفون بوده است.»

«آمین مارسلن» میگوید پایتخت ایران غیر قابل تسخیر بود و از چندین شهر تشکیل شده بود و حصارى آنرا احاطه میکرد و این حصار دروازه‌های محکم داشت.

تیسفون در مشرق دجله و «وه اردشیر» در مغرب آن قرار داشت و جسرى آن دو را بهم میپیوست و فردوسی در شاهنامه خود در ضمن بیان تاریخ پادشاهی شاپور دوم میگوید: چون رفت و آمد روی این پل روز بروز زیاد میشد شاپور در ابتدای پادشاهی خود دستور داد پل دیگری روی دجله انداختند تا عبور از آن پل و برگشت از پل دیگر انجام گیرد.



گرانبایه رومی که بد هندسی
 بگفتار بگذشت از پارسی
 بدو گفت شاه «این زمن درپذیر
 سخن هرچه گویم همه یادگیر»
 «یکی جای خواهم که فرزند من
 همان تا دوصد سال پیوند من»
 «نشیند بدو در نگرده خراب
 ز باران و از برف و از آفتاب»
 مهندس پذیرفت از ایوان شاه
 بدو گفت: «من دارم این دستگاه»
 چو دیوار ایوانش آمد بجای
 بیامد پیش جهان کد خدای
 بریشم بیاورد تا انجمن
 بتابند باریک تابسی رسن
 ز بالای دیوار ایوان شاه
 بیامد تا خاک دیوار گاه
 رسن سوی گنج شهنشاه برد
 ابا مهر کنجور او را سپرد
 وز آن پس بیامد بایوان شاه
 که «دیوار ایوان بیامد بماء
 چو فرمان دهد خسرو زودیاب
 نگیرم بدان کار کردن شتاب»

امروز پنج شهر آنرا میشناسیم (تیسفون و رومگان در مشرق
 دجله، «وه اردشیر» (سلوکیه) و «درز نیدان» و «ولاشاباد»
 در مغرب آن). اگر محله «اسپانبر» در مشرق و «ماحوزه»
 در مغرب را به پنج شهر فوق اضافه کنیم تعداد شهرهای پایتخت
 ساسانیان به هفت خواهد رسید.

در طرفین رود دجله چند کاخ مخصوص شاهنشاه وجود
 داشته است ولی از همه آنها معروفتر همان «طاق کسری» یا
 ایوان کسری است که در محله «اسپانبر» قرار داشت و ویرانه‌های
 آن هنوز موجب تعجب و تحسین است.

فردوسی بنای آنرا به خسرو اول نسبت داده است.

ز ایوان خسرو کنون داستان
 بگویم که پیش آمد از راستان

چنین گفت روشندلی پارسی

که بگذشت با کام دل چارسی

که خسرو فرستاد کسها بروم

بهند و بچین و به آباد روم

برفتند کاریگران سه هزار

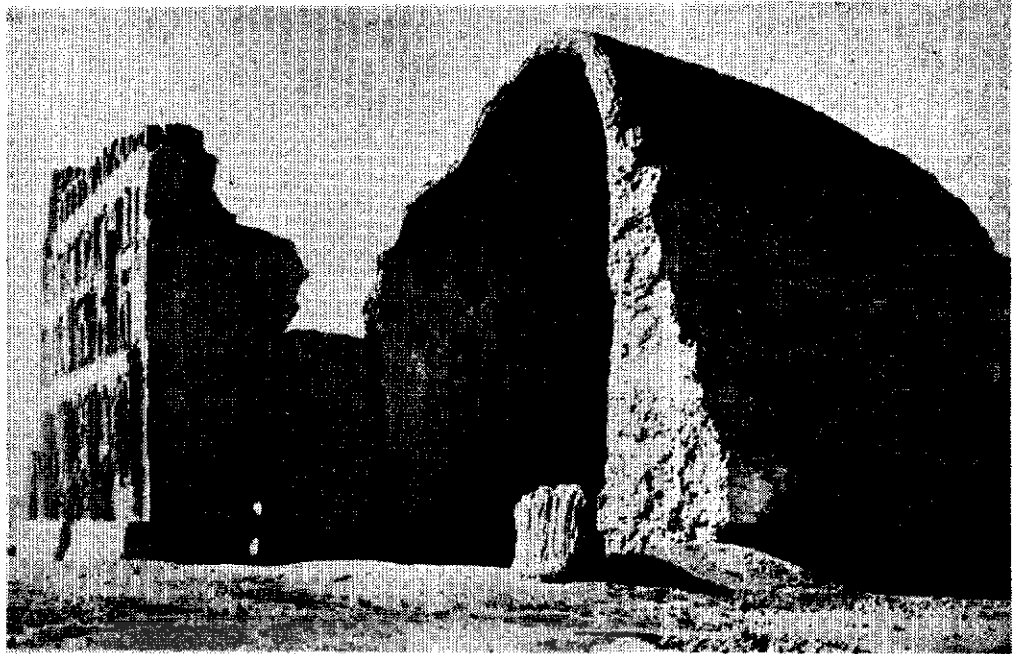
ز هر کشوری آنکه بد نامدار

چو صد مرد بگزید اندر میان

از ایران و اهواز و از رومیان

از ایشان دلاور گزیدند سی

از آن سی دو رومی یکی پارسی



بیچارگی دست از آن بازداشت
 همی گوش و دل سوی اهواز داشت
 کز آن شهر کاریگر آید کسی
 نماند چنین کار بی سر بسی
 همی جست استاد آن تا سه سال
 ندیدند کاریگری را همال
 بسی یاد کردند از آن کارجوی.
 بسال چهارم پدید آمد اوی
 همانگاه رومی بیامد چو گرد
 بدو گفت شاه: «ای گنهکار مرد
 بگو تا چه بود اندرین پوزشت
 بگفتار پیش آید آموزشت .»
 چنین گفت رومی که «گرشهریار
 فرستد مرا با یکی استوار
 بگویم بدان کارها پوزشم
 بیوزش کجا باید آموزشم .»
 فرستاد و رفتند از ایوان شاه
 گر انامیه استاد بانیکخواه .
 همی برد دانای رومی رسن
 همان مرد را نیز با خویشان .
 بیمود بالای کار و برش
 کم آورد کار از رسن هفت رش.

«چهل روز تا کار بنشینم
 ز کاریگران شاه بگزیندم .»
 بدو گفت خسرو که «چندین زمان
 چرا خواهی از من تو ای بدگمان»
 «نباید که داری تو زین دست باز
 بزر و بسیمت نیاید نیاز .»
 بفرمود تا سی هزارش درم
 بدادند تا وی نباشد دژم
 بدانست کاریگر راستگوی
 که عیب آورد مرد دانا بدوی
 اگر گیرد از کار ایوان شتاب
 اگر بشکند ، کم کند نان و آب.
 شب آمد شد آن کارگر ناپدید
 چنان شد کز آن پس کس او را ندید
 چو شنید خسرو که فرغان گریخت
 بگوینده بر ، خشم فرغان بریخت
 چنین گفت «کورا که دانش نبود
 چرا پیش ما در فزونی نمود»
 دگر گفت : «کاریگران آورید
 گنج و سنگ و خشت گران آورید.»
 بجستند ، هر کس که دیوار دید
 ز بوم و بر شاه شد ناپدید .

چنین گفت رومی که: «گر زخم کار
برافزودی بر سر ای شهریار»
نه دیوار ماندی نه طاق و نه کار
نه من ماندی بر در شهریار»
بدانست خسرو که او راست گفت
کسی راستی را نباید نهفت
چو شد هفت سال آمد ایوان بجای
پسندیده مردم نیک رای
مر او را بسی آب داد و زمین
درم داد و دینار و کرد آفرین
همی کرد هر کسی بایوان نگاه
بنوروز رفتی بدان جایگاه
کسی درجهان کاخ چونان ندید
نه از نامور کار دانان شنید
یکی حلقه از زر همه ریختند
از آن جای خرم درآویختند
فرو هشته زو سرخ زنجیر زر
بهر مهره در فشانده گهر
چو رفتی شهنشاه بر تخت عاج
بیاویختندی بزنجیر تاج
بنوروز چون بر نشستی بتخت
بزدیک او مردم نیکبخت
فروتر ز موبد مهان را بدی
بزرگان و روزی دهان را بدی
بزیر مهان جای درویش بود
کجا خوردش از کوشش خویش بود
بر آنسان بزرگی کس اندرجهان
ندارد پیاد از کهان و مهان

* * *

اعضاء هیئت کاوش کننده آلمانی اظهار کرده اند که این
ایوان بزرگی که امروز بر پاست بامر خسرو اول ساخته شده
است. مجموع این کاخ و ساختمان های فرعی آن در زمینی
بوسعت ۳۰۰ در ۴۰۰ متر قرار گرفته و مرکب از ایوان و آثار
بنای دیگری در فاصله ۱۰۰ متر از آن و تپه مصنوعی کوچکی
بنام حرم خسرو در جنوب ایوان و در شمال آن خرابه های
یک گورستان بوده است.

ایوان کسری مهم ترین قسمتی از مجموع کاخ تیسفون
است که امروز بر پاست. نمای آن بطرف مشرق است و ۲۹۲۸
متر ارتفاع دارد و عبارت بوده است از دیواری بدون پنجره
که طاقماهایی در سرتاسر آن ساخته شده و میان طاقماها
نیم ستونهایی در طرفین قوسهای هلالی وجود دارد. مجموع
این طاقماها و قوسها و نیم ستونها در چهار طبقه از پائین بالا

گنجاینده شده. احتمالاً روی این بنای آجری را بوسیله گچ
سفید کرده بودند و بعضی از قسمتهای آن را رنگ زده بودند
و در بعضی قسمت های دیگر روپوشی از سنگ مرمر ظاهر نمای
بنا را میپوشانده است.

تا تاریخ ۱۸۸۸ تمام نمای این بنا برپا بود و نقشی از آن در
کتاب «دیولا فوآ» Dieulafoy, L'art antique de la Perse
کشیده شده است. در همین سال قسمت شمالی ایوان بزرگ
خراب شد و اکنون برای قسمت جنوبی ایوان نیز خطر از بین
رفتن موجود است.

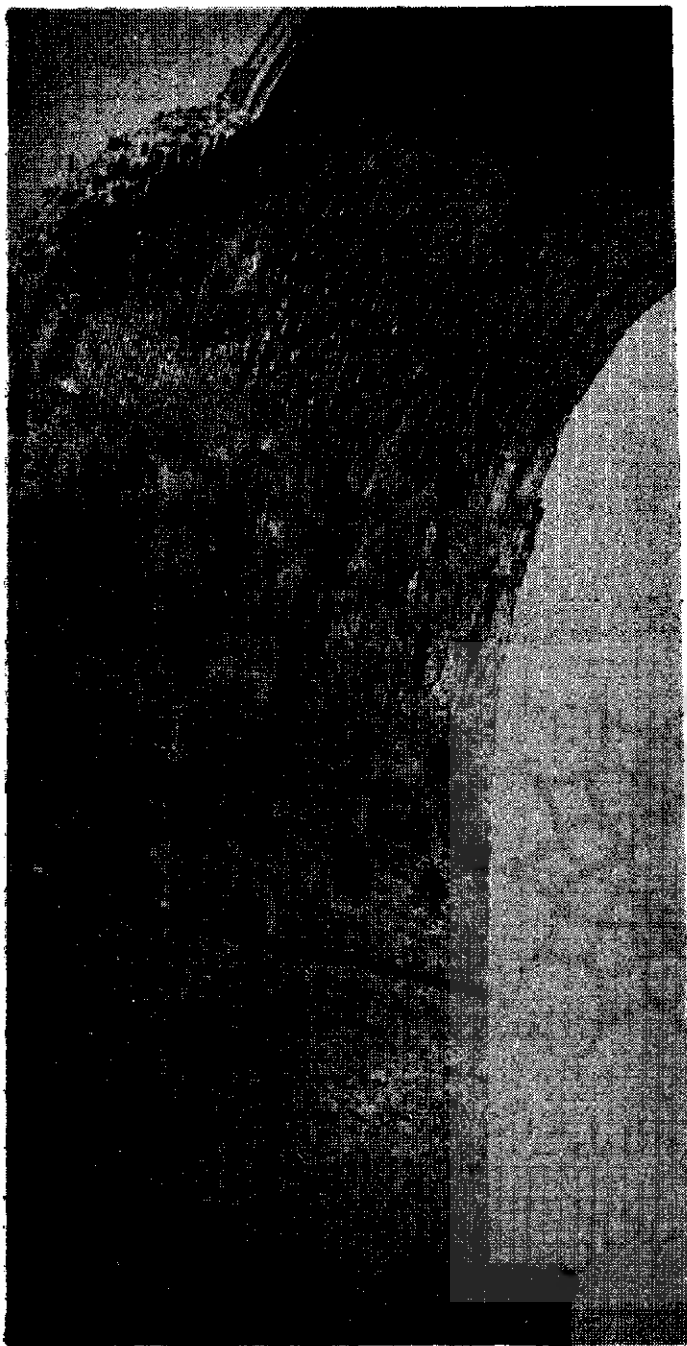
ایوان بزرگ بصورت گهواره بیضی شکل در میان نمای
بنا قرار گرفته و عرض آن ۲۵۶۳ متر و درازی آن ۴۳۷۶
متر است.

در پشت دیوارهای طرفین ایوان پنج تالار کم ارتفاع تر
از ایوان مرکزی با طاق گهواره ای شکل ساخته شده بود.
در طرفین ایوان طاقهای متعدد دیگر وجود داشت. ضخامت
دیوارهای آجری بطور کلی بسیار زیاد است. در داخل تالارها
تزییناتی بصورت گچ بری وجود داشته که تعداد زیادی از آنها
در حفاری هیئت آلمانی پیدا شده است. زیبایی ایوان کسری
بیشتر از نظر عظمت آن میباشد. «ابن خردادبه» آنرا بکوهی
تشبیه کرده که در آن کاخی تراشیده باشند. میگویند خلیفه
المنصور نخستین کسی است که دست بخرابی آن زد و از مصالح
آن برای ابنیه شهر جدید بغداد استفاده کرد. ظاهراً علت اینکه
تمام مصالح آن بکار نرفته این بوده است که پس از چندی بنظر
رسیده است که خراب کردن و حمل مصالح از ارزش حقیقی
آن مصالح تجاوز مینماید، و از استفاده از آن صرف نظر
کرده اند.

از نظر اصول ساختمانی وجود طاق کسری مطالبی چند
را برای علاقمندان بتحولات سبک ابنیه روشن مینماید.

ابنیه زمان هخامنشی تماماً از ستونهای سنگی و سقف
افقی ساخته شده بود و با وجود مصالح فراوان که برای بالابردن
آن مصرف میشد نسبت به بنایی مانند طاق کسری نواقص بسیار
داشت. مثلاً در کاخ عظیمی چون کاخ آپادانای تخت جمشید
تقریباً یک دهم بنا را پایه های قطور ستونها اشغال کرده بود
و تالار آپادانا بیشتر شباهت بچنگلی پیدا کرده بود که در آن
درختهای عظیمی روییده باشد. روشنایی در چنین تالاری
بزحمت وارد میشد و روزهای «بارعمومی» عده ای از حاضران
ناچار در پشت ستونها قرار میگرفتند و از دیدن شاهنشاه محروم
میمانندند.

چنین فرض کرده اند که روشنایی از بالای بام وارد تالار
میشد ولی با اینحال باز قسمتهایی از تالار در تاریکی قرار
میگرفت. بنابراین با ایجاد ایوانی مانند ایوان کسری معماران
زمان ساسانی مسائل بزرگی را مانند پوشاندن تالار بسیار بزرگی



با مصالح سبک و ارزان و روشن کردن آن و افزودن بروست تالار بوسیله حذف ستون، و افزایش ارتفاع آن بوسیله ایجاد طاق مرتفع بیضی شکل حل کرده اند.

ضمناً حل مسائل دیگری نیز با ایجاد ایوان ساسانی آسان گردیده است. در سقف افقی کاخ هخامنشی خطر آتش سوزی و موربانه وجود داشت و حال اینکه در کاخ ساسانی هر دوی این خطرها از میان رفته و ضمناً با سبک شدن مصالح از سنگینی بنا کاسته شده و در حقیقت سنگینی کاخ به فشار مختصری در جهت طرفین مبدل گشته است و این فشار را روی دیوارها و پایه های ضخیم وارد آورده که آنرا تا امروز با وجود ناملازمات طبیعت تحمل نموده است. فردوسی ساختمان طاق کسری را به معمار رومی نسبت داده ولی طاق کسری با عرض و طول کمتر در دو محل در ناحیه پارس بنام فیروز آباد و سروستان در زمان اردشیر اول موقعی که هنوز شاهنشاهی ایران نرسیده بود بنا شده که قسمت مهمی از آن هنوز برپاست و قابل مقایسه با ایوان کسری میباشد، و در ساختمان آن بدون شک معمار رومی دخالت نداشته است. بعلاوه طاق کسری بیضی شکل و اختراع منحصر به معماران ایرانی است و در هیچ نقطه دیگری از عالم دیده نشده است. بنایی که تقریباً همدوره با طاق کسری است و معماران رومی آنرا بنا کرده اند کلیسای سن سوفي در شهر قسطنطنیه است. اگرچه این کلیسا دارای گنبد مرتفع و عظیمی بوده و خود یکی از شاهکارهای معماری قدیم است ولی واقعاً شباهت نزدیک از هیچ جهت با ایوان کاخ شاهنشاهی ایران ندارد. بنابراین باید طاق کسری را بمنزله یکی از افتخارات معماران ایران در قدیم بحساب آورد.